

# آزادی بیلت

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

خاطرات خودنگاشت حمید (بیان) قاسمی  
اسیر آزادشده ایرانی

# آزادی بیابان



انزکی پریس

خاطرات خودنگاشت حمید (بیان) قاسمی  
اسیر آزادشده ایرانی

نویسنده: حمید قاسمی  
گویاسازی و تطبیق استنادی: فرزانه قلعه‌قوند

ویراستار: طاهره کیانی  
صفحه‌آرایی و صفحه‌بندی: افسانه گودرزی  
طراحی جلد: سیدایمان نوری نجفی  
ناظر چاپ: فاطمه مجریان

لیتوگرافی، چاپ و جلدبندی: ...  
نوبت چاپ: اول / ۱۳۰۰  
شمارگان: ۱۰۰۰  
قیمت: ۶۲۰۰۰۰ ریال  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۶۸-۸

سرشناسه: قاسمی، حمید، ۱۳۴۷-  
عنوان و نام پدیدآور: آزادی بیابان: خاطرات خودنگاشت حمید (بیان قاسمی)  
اسیر آزادشده ایرانی / نویسنده حمید قاسمی؛ ویراستار طاهره کیانی  
مشخصات نشر: تهران: پیام آزادگان، ۱۳۰۰  
مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص:؛ مصور(رنگی)؛ ۱۴×۵/۲۱ س.م.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۶۸-۸ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا  
یادداشت: کتابنامه  
عنوان دیگر: خاطرات خودنگاشت حمید (بیان قاسمی) اسیر آزادشده ایرانی  
موضوع: قاسمی، حمید، ۱۳۴۷- -- خاطرات  
موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- آزادگان -- خاطرات  
Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Diaries\* -- Released captives  
جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- آزادگان -- سرگذشتنامه  
Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Biography\* -- Released captives

رده بندی کنگره: DSR ۱۶۲۹  
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۸۳۳۰۹۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۶۱۳۱۷

سلسله: تهران، بین سیدان فردوسی و استاد نجات الهی، کوجه نایی،  
۸ جلد

تلفن: ۱۷ و ۱۵، ۸۸۸۰۷۰۱۵ شماره: ۱۶، ۸۸۸۰۰۰۱۶

دفتر: خیابان خرمستان، پلاک ۸۱، روبه‌روی خیابان شهید رجایی، انتهای  
کوچه سبزه، پلاک ۱۰، تلفن: ۳۷۸۳۸۰۷، ۰۲۵

ردیف و نشر محفوظ است

۱۱	..... سخن نویسنده
۱۹	..... فصل اول: عملیات و شروع اسارت
۲۵	..... فصل دوم: در راه بغداد
۵۷	..... فصل سوم: رمادی ۳ - کمپ ۴
۸۱	..... فصل چهارم: رمادی ۲ - کمپ ۷ (رودگاه اطفال یا بین القمصین)
۱۱۷	..... فصل پنجم: آزادی
۱۳۳	..... آلبوم خاطرات و ضمانت

## سخن نویسنده

من، حمید قاسمی، در پاییز سال ۱۳۴۷ در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمدم. پدر و عموهایم داماد و کشاورز بودند و در کنار آن شعبه عرضه بنزین، گازوئیل و نفت (پمپ بنزین فعلی) داشتند. پدرم در سال ۱۳۵۵ فوت کرد. از آنجاکه یکی از خواهرانم در شهر قم سکونت داشت، یک سال پس از فوت پدرم مهاجرت کردیم به شهر قم.

در دبستان یک شیفت درس می‌خواندم و یک شیفت روزنامه‌فروشی می‌کردم. آن روزها کثرت روزنامه نبود و به‌نظرم فقط روزنامه‌های کیهان و اطلاعات و جمهوری اسلامی بود که در دهه‌های روزنامه‌فروشی دیده می‌شد. بعد از چاپ رساله امام خمینی<sup>(ره)</sup>، در کنار روزنامه‌فروشی در حیاط حرم مطهر حضرت معصومه<sup>(س)</sup> به فروش رساله روی آوردم. سود خوبی نصیب می‌شد و می‌توانستم خرج و مخارج تحصیلم را تأمین کنم.

در پایه پنجم ابتدایی، به‌واسطه داشتن معلم، که نامش رهامی بود، پایم به فعالیت‌های سیاسی و انقلابی باز شد و از سال ۱۳۶۱ ضمن درس خواندن به پایگاه بسیج هم کشیده شدم. بعدها در حکم نیروی فعال شب‌ها در پایگاه مقاومت شهید نامجو فعالیت می‌کردم.

دو سال از جنگ می‌گذشت و من خیلی تلاش می‌کردم که خودم را به

جبهه برسانم، ولی می گفتند که سن و سالت کم است؛ بنابراین علی رغم هیکل در شتم نشد که به آرزویم برسم.

در زمستان ۱۳۶۲، به همراه ده نفر از بچه های محل، که اکثرشان در پایگاه مقاومت شهید نامجو فعالیت داشتند، برای حضور در جبهه ثبت نام کردم. بعد از ثبت نام و مهیا شدن مقدمات اعزام، به همراه تعدادی از نیروی های مردمی از شهروندان قم، که حدود ۲۰۰ نفر می شدند، برای طی دوره آموزشی به پادگان آموزشی ۲۱ حمزه در مقر لشکر ۲۱ حمزه سیدالشهدای ارتش جمهوری اسلامی در تهران منتقل شدیم. قسمتی از پادگان مذکور جداسازی شده و برای آموزش نظامی نیروهای مردمی (بسیجی) اختصاص یافته بود. کار آموزش نظامی نیروهای اعزامی به عهده پرسنل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود.

نیروهای اعزامی در دو گروهان محل سازماندهی شدند و به مدت ۴۵ روز، آموزش های لازم نظامی و عقیدتی را همراه با انجام مانور و کارهای عملی فراگرفتیم. تقریباً وسط دوره آموزشی بود که به همه بچه ها یک هفته مرخصی دادند.

بعد از اتمام آموزش نیروها، به پادگان دوکوهه اندیمشک منتقل و به همراه تعدادی از نیروهای اعزام مجدد<sup>۱</sup> در گردان سیدالشهدا و حضرت معصومه (س) به عنوان نیروهای رزمی سازماندهی شدیم.

من به عنوان تک تیرانداز در یکی از دسته های گردان سیدالشهدا پذیرفته شدم. بعد از مدتی اقامت در پادگان دوکوهه، که محل استقرار نیروهای لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) استان تهران بود، به مقر لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب (ع) واقع در سراسرهی شادگان معروف به انرژی اتمی منتقل شدیم.

۱. به افرادی گفته می شد که بیش از یک بار در جبهه حضور پیدا کرده بودند.